

نویسنده: پیپ ایسکوبار «Pepe Escobar» .
منبع و تاریخ نشر: کریدل «2023-11-15» .
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

چرا آمریکا به این جنگ در غزه نیاز دارد؟

Why the US needs this war in Gaza

واشنگتن باید در جنگ غزه خود علیه ایران پیروز شود زیرا نتوانست در جنگ اوکراینی خود علیه روسیه پیروز شود.

Washington needs to win its Gazan war against Iran because it failed to win its Ukrainian war against Russia.



عکاسی توسط فوتوگرافر ویب سایت کریدل

جنوب جهانی انتظار طلوع یک واقعیت جدید عربی را داشت .

به هر حال، خیابان یا که کوچه های عرب - حتی در حالی که در کشورهای خود لگد مال و سرکوب شده است - اما باز هم با تظاهراتی که خشم وحشیا نه خود را علیه قتل عام گسترده اسرائیل علیه فلسطینیان در نوار غزه ابراز می کند، موج می زند .

رهبران عرب مجبور به انجام نوعی اقدام فراتر از تعلیق چند سفارت با اسرائیل شد ند و خواستار برگزاری نشست ویژه سازمان همکاری اسلامی (OIC) برای بحث در مورد جنگ جاری اسرائیل علیه کودکان فلسطینی شد ند .

نمایندگان 57 کشور مسلمان در 11 نوامبر در ریاض گرد هم آمدند تا ضربه ای جدی و عملی به دست اندرکاران و توانمند سازان نسل کشی وارد کنند . اما در نهایت چیزی پیشنهاد نشد و یا کدام تصمیمی جدی و موثر گرفته نشد، حتی که همچنان نه تصمیم بغرض ایجاد آرامش . در منطقه؟

بیانیه پایانی سازمان همکاری های اسلامی همیشه در کاخ طلاکاری شده نامردی ثبت خواهد شد . نکات برجسته نمایش لفاظی بی رحمانه: ما بغرض «دفاع از خود» با اسرائیل مخالفیم . ما حمله به غزه را محکوم می کنیم . ما از (چه کسی؟) می خواهیم که به اسرائیل اسلحه فروشد . ما از دادگاه کیفری بین المللی کانگورو درخواست می کنیم تا جنایات جنگی را "بررسی" کند . ما درخواست قطعنامه سازمان ملل در محکومیت اسرائیل را داریم .

برای ثبت، این بهترین 57 کشور با اکثریت مسلمان است که می توانند در واکنش به این نسل کشی قرن بیست و یکمی برپا کنند .

تاریخ، حتی اگر توسط پیروزمندان نوشته شود، نسبت به ترسوها نابخشودنی است .

در بین این ترسوها ، چهار بزدل اصلی همانا عبارتند از عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین و مراکش - سه ترسویا بزدل آخری که در سال 2020 روابط خود را با اسرائیل عادی کرده اند . اینها کسانی هستند که به طور مداوم از اتخاذ تدابیر جدی جلوگیری کردند نشست سران سازمان همکاری اسلامی، مانند پیش نویس پیشنهادی الجزایر برای ممنوعیت نفت اسرائیل، به علاوه ممنوعیت استفاده از حریم هوایی کشورهای عربی برای ارسال سلاح به کشور اشغالگر .

مصر و اردن - دست نشانندگان دیرینه عرب - نیز غیرمتعهد بودند و همچنین سودان که در میانه جنگ داخلی قرار دارد . ترکیه، در زمان سلطان رجب طیب اردوغان، بار دیگر نشان داد که همه چیز صحبت است و هیچ اقدامی نیست . یک تقلید مسخره آمیز نئو عثمانی از تگزاس "همه چهار کلاه، بدون گان و نر .

و BRICS . " یا IMEC؟ یا [کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا]

چهار ترسو برتر سزاوار بررسی هستند. بحرین یک رعیت پست است که میزبان یک شاخه کلیدی از پایگاه های امپراتوری ایالات متحده است. مراکش روابط نزدیکی با **تل آویو** دارد - پس از وعده اسرائیل برای به رسمیت شناختن ادعای **رابط** در صحرای غربی، به سرعت فروخته شد. علاوه بر این، مراکش به شدت به گردشگری، عمدتاً از غرب جمعی، وابسته است.

سپس ما سگ های بزرگ، عربستان سعودی و امارات را داریم. هر دو با تسلیحات آمریکایی روی تیرها چیده شده اند و مانند بحرین، پایگاه های نظامی ایالات متحده را نیز میزبانی می کنند. محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی (MbS) و مربی قدیمی او، حاکم اماراتی محمد بن زاید (MbZ)، در صورت انحراف بیش از حد از خط امپراتوری مورد قبول، خطر وقوع انقلاب های رنگی را در قلمرو سلطنتی آنها در هم می شکند.

اما طی چند هفته، از اول ژانویه «2024»، تحت ریاست جمهوری روسیه، ریاض و ابوظبی هر دو افق چشم انداز خود را با عضویت رسمی در BRICS 11 گسترش خواهند داد. عربستان سعودی و امارات تنها به دلیل محاسبات دقیق ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی توسط مشارکت استراتژیک روسیه و چین در بریکس توسعه یافته پذیرفته شدند. برکنار ایران - که اتفاقاً شراکت استراتژیک خود را با روسیه و چین دارد - ریاض و ابوظبی قرار است نفوذ انرژی حوزه بریکس را تقویت کنند و در ادامه راه، بازیگران کلیدی در مسیر دلارزدایی باشند. که هدف نهایی آن دور زدن دلار نفتی است.

با این حال، در همان زمان، ریاض و ابوظبی نیز از طرح نه چندان محرمانه سال 1963 برای ساخت کانال **بن گوریون**، از خلیج عقبه تا مدیترانه شرقی بهره مند خواهند شد که - چه تصادفی که بسیار نزدیک - به شمال غزه است که اکنون ویران شده است.

این کانال به اسرائیل این امکان را می دهد تا به یک قطب کلیدی ترانزیت انرژی تبدیل شود و کانال سوئز مصر را از بین ببرد، و اتفاقاً با نقش اسرائیل به عنوان گره اصلی با لعل در آخرین فصل از جنگ کریدورهای اقتصادی: هند ساخته شده توسط ایالات متحده همخوانی دارد. راهروی شرق میانه (IMEC).

IMEC یک کلمه اختصاری کاملاً منحرف است، همانطور که کل منطق پشت این کریدور خارق العاده است، یعنی قرار دادن اسرائیل قانون شکن بین المللی به عنوان یک مرکز تجاری مهم و حتی تامین کننده انرژی بین اروپا، بخشی از جهان عرب و هند.

این نیز منطقی بود که در ماه سپتامبر، بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل در سازمان ملل، نقشه ای از «خاورمیانه جدید» را که در آن فلسطین کاملاً پاک شده بود، برای کل «جامعه بین المللی» به نمایش گذاشت.

همه موارد فوق فرض می کند که IMEC و کانال **بن گوریون** ساخته خواهند شد - که با هیچ استاندارد واقع بینانه ای مشخص نیست.

در بازگشت به رای گیری در «سازمان همکاری های اسلامی» ، مصر و اردن - دو کشوری که به ترتیب در مرزهای غربی و شرقی اسرائیل قرار دارند - دستیاران ایالات متحده در سخت ترین موقعیت قرار داشتند. دولت اشغالگر می خواست تقریباً 4.5 میلیون فلسطینی را برای همیشه به داخل مرزهای خود بکشد. اما قاهره و عمان نیز که غرق در تسلیحات آمریکا هستند و از نظر مالی ورشکسته شده اند، اگر به شکل غیرقابل قبولی به سمت فلسطین متمایل شوند، هرگز از تحریم های ایالات متحده جان سالم به در نخواهند برد .

بنابراین، در نهایت، بسیاری از کشورهای مسلمان که حقارت را به عدالت ترجیح دادند، به مفاهیم بسیار محدود، عمل گرایانه و منافع ملی فکر می کردند. ژئوپلیتیک بی رحم است. همه چیز در مورد منابع طبیعی و بازار است. اگر یکی را ندارید، به دیگری نیاز دارید، و اگر ندارید، یک هژمون به شما دیکته می کند که چه چیزی مجاز به داشتن آن هستید .

خیابان های عرب مملو از عرب مسلمان - و اکثریت جهان نیان - ممکن است به حق احساس ناامیدی کنند وقتی می بینند که چگونه این "رهبران" حاضر نیستند جهان اسلام را به یک قطب قدرت واقعی در چند قطبی نوظهور تبدیل کنند .

به هیچ وجه این اتفاق نمی افتد. بسیاری از کشورهای کلیدی عربی دارای حاکمیت نیستند . همه آنها در جعبه هستند، قربانیان یک ذهنیت رعیت آنها - هنوز - برای نمای نزدیک خود به تاریخ آماده نیستند . و متأسفانه، آنها همچنان گروگان « قرن تحقیر» خودشان هستند .

این کودتای تحقیرآمیز را کسی جز خود دیوانه نسل کش تل آویو انجام نداد: او یعنی اسرائیل نسل کش همه جهان عرب را تهدید کرد که اگر ساکت نشوند - که آنه این تهدید را قبلاً هم انجام دادند .

البته در ایران، سوریه، فلسطین، عراق، لبنان و یمن دلیران عرب و مسلمان بسیار مهمی هستند. این بازیگران مقاومت در حالی که به هیچ وجه اکثریت نیستند، احساساتی را که در خیابان ها از خود نشان میدهند وجود دارد، یعنی که احساسات خود را منعکس می کنند . و با گسترش هر روز جنگ اسرائیل، آنها را باهم نزدیک میسازد.

خفه کردن یک قرن جدید در گهواره

شکست فاجعه بار پروژه اوکراین و احیای جنگ غیرقابل حل غرب آسیا عمیقاً در هم تنیده شده است .

فراتر از مه "نگرانی" واشنگتن در مورد بیدادگری نسل کشی تل آویو، واقعیت مهم این است که ما درست درگیر جنگ علیه برجام 11 هستیم .

قرار است نفوذ منطقه ای و جهانی به طور بی اندازه افزایش یا بد، درست ما نند تمام جنگ های منطقه ای دیگر هژمون. «آمریکا» امپراتوری استراتژی انجام نمی دهد. در بهترین حالت، برنامه های تجاری تاکتیکی را در پرواز انجام می دهد. دو تا کتیک فوری در بازی وجود دارد: ناوگان آمریکایی مستقر در شرق مدیترانه - در تلاشی ناموفق برای ارباب غول های محور مقاومت ایران و حزب الله - و انتخاب احتمالی مایلی در آرژانتین که با وعده های او مبنی بر شکستن روابط برزیل و آرژانتین مرتبط است.

بنا بر این این یک حمله همزمان به BRICS 11 در دو جبهه است: غرب آسیا و آمریکای جنوبی. از هیچ تلاشی برای جلوگیری از نزدیک شدن برجام 11 به اوپک پلاس دریغ نخواهد کرد. هدف اصلی القای ترس در ریاض و ابوظبی است - همانطور که منابع تجاری خلیج فارس تأیید کردند.

حتی رهبران دست نشانده در نمایندگانه OIC می دانستند که ما اکنون عمیقاً در The Empire Strikes Back قرار داریم. این نیز تا حد زیادی بزدلی آنها را توضیح می دهد.

آنها می دانند که برای هژمون، چندقطبی برابر با «آشوب»، تک قطبی بودن برابر با «نظم» و بازیگران بدخواه برابر با «خودکامگان» است - مانند «محور شرارت» جدید روسیه، چین و ایران و هر کسی، به ویژه رعیت ها، که مخالف "نظم بین المللی مبتنی بر قوانین" است.

و این ما را به داستان دو آتش بس می رساند. ده ها میلیون نفر در سراسر اکثریت جهانی می پرسند چرا هژمون از آتش بس در اوکراین ناامید است در حالی که صراحتاً آتش بس در فلسطین را رد می کند.

پروژه انجماد اوکراین برای مدتی بیشتر روح هژمونی را حفظ می کند. بیا ببینیم مسکو طعمه را می گیرد (این کار را نمی کند). اما برای منجمد کردن اوکراین در اروپا، هژمون به پیروزی اسرائیل در غزه - شاید به هر قیمتی - نیاز دارد تا حتی بقایایی از شکوه سابق خود را حفظ کند.

اما آیا اسرائیل می تواند بیشتر از آنچه اوکراین می تواند به پیروزی برسد؟ تل آویو ممکن است قبلاً در جنگ 7 اکتبر شکست خورده باشد زیرا هرگز نمی تواند چهره شکست ناپذیری خود را بازیا بد. و اگر این به یک جنگ منطقه ای تبدیل شود که اسرائیل از دست می دهد، ایالات متحده یک شبه دست نشانندگان عرب خود را که امروز گزینه چینی و روسی در بال دارند، از دست خواهد داد.

غرش تظاهرکنندگان در خیابان بلند تر می شود - از دولت **بایدن** که اکنون به عنوان همدست تل آویو دیده می شود، می خواهد نسل کشی اسرائیل را که ممکن است به جنگ

جهانی منجر شود، متوقف کند. اما واشنگتن به آن عمل نخواهد کرد. جنگ‌ها در اروپا و غرب آسیا ممکن است آخرین فرصت آن باشد (از دست خواهد داد) تا ظهور یک قرن اوراسیا مرفه، متصل و صلح‌آمیز را از بین ببرد.

با تقدیم احترامات «2023-12-06»